



revelaciita en Mekko

1. Je la nomo de Allah, la Donema, la Pardonema.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

2. Estu laŭdegata Allah, Sinjoro de l' Universo,

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

3. la Donema, la Pardonema,

الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

4. Majstro de la tago de la Lasta Juĝo.

مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ

5. Nur'Vin ni adoras kaj nur ĉe Vi ni serĉas helpon.

إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ

6. Gvidu nin sur la rektan vojon,

اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ

7. sur la vojon de tiuj, al kiuj Vi donis Vian gracon, kiuj ne meritis Vian koleron, kiuj ne eraris.

صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ

وَالَّذِينَ لَا يُغْنِي عَنْهُمْ كَثْرَتُ ثَمَرِهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ

دکتر ناصرالدین صاحب الزمانی

انسان

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رسال جامع علوم انسانی

انقلاب زبان (۲)

۲- زبانهای پرداخته ، یانیمه طبیعی و نیمه اختراعی. زبان‌های ساخته‌یا اختراعی، کم‌تر از «واژه‌ها» و بیشتر از «رمزواره‌ها» برای بیان اندیشه‌ها، مفهوم‌ها و آهنگ‌ها بهره‌جسته‌اند، مانند اعداد در ریاضیات، حروف در جبر، و شیمی، نت در موسیقی و نمادها در منطق ریاضی. هر چند که برای بیان مفاهیم فلسفی و فکری نیز، چنانکه اشاره رفت (ش ۱۱)، همین گفتار، کوشش‌ها شده‌است، تا از زبان‌های اختراعی سمبلیک استفاده شود، لیکن این تلاش‌ها، به‌بیچ‌روی، پاسخگوی نیازتوده‌ها در روابط بازرگانی،

۱۶- زبانهای اختراعی ، و انقلاب زبان

انقلاب زبان - باز برترین دستاوردهای اندیشه‌ی منطقی بشر - ما را ، با تقسیم بندی تازه‌ای از زبانها ، روبرو ساخته است.

- ۱- زبانهای یافته باطبیعی و مادری
- ۲- زبانهای ساخته یا ، اختراعی و وضعی .

سُورَةُ الْبَقَرَةِ مَدَنِيَّةٌ (۲)

revelaciita en Medino

1. Je la nomo de Allah, la Donema, la Pardonema.

2. Alef Lām Mīm.**

3. Ĉi tiu estas la Libro, en kiu ne estas dubo, gvidilo por la justuloj,

4. por tiuj, kiuj kredas je la Nevideblaĵoj kaj levas la preĝon kaj distribuas almozojn el tio, kion Si donacis al ili,

5. por tiuj, kiuj kredas je tio, kio estis revelaciita antaŭ vi, kaj je tio, kio estis revelaciita antaŭ vi, kaj firme kredas al la vivo venonta.

6. Por ili estos la gvidado de ilia Sinjoro kaj ili estos sukcesaj.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْم

ذَٰلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ
الَّذِينَ يُؤْتُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا
رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ

وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِن
قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ
أُولَٰئِكَ عَلَىٰ هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَٰئِكَ هُم
الْمُقْتَدِرُونَ

ترجمه و توضیح: بسم الله الرحمن الرحيم - بسم الشماخ «زبان اسپرانتو» قرار گرفت که بعد از آن در سال ۱۸۸۷، انتشار یافت.

۱۸ - کوپرنیکی دیگرو برای زبان

لهستان، دو کوپرنیک داشته است، یکی «نیکولاس کوپرنیکوس» (۱۴۷۳-۱۵۴۲) و دیگری «لازوس لودویگ زامنهوف» (۱۸۰۹-۱۸۵۹). دکتر «زامنهوف» Zamenhof آفرینندهی زبان اسپرانتو (Esperanto) است.

وی به خوانندگان شاکس کتاب دستور چهار هزار واژه ای (همین گفتار، ش ۱۵) و همی جویندگان دیگری که برسیده اند: «برای دانستن و کاربردن یک زبان، چند قاعده، واقعا لازم است!»، پاسخ گفته است که: «فقط شانزده (۱۶) قاعده کمی توان عموما، در ظرف دد تیب، آنها را خوانند فهمید، و احدا کثر در طرف ده ساعت، بر کار برد آنها تسلط یافت.

«زامنهوف»، به موسیقی زبان، توجه خاص میدول داشته است. از اینرو الگوی آهنگ آترا، «زبان ایتالیائی» که به تازید بیشتر از آشنایان بزبانهای مهم غربی و شرقی، یکی از خوش آهنگ ترین زبانهای دنیاست، انتخاب کرده است.

چند واژه برای کاربرد کافی زبان، در روابط روزمره جهانی، بسنده است؟

زامنهوف پاسخ می دهد:

- پنج هزار واژه، در حدی که معمولا کودکان، در سالهای نخستین دبستان، در زبانهای مادری خود می شناسند!

- آبا با این مقدار واژه، و چنین زبانی، می توان بیشتر چیزهایی را که در زبانهای، مانند انگلیسی با حدود نیم میلیون واژه، در آلمانی با حدود سیصد هزار واژه و در فارسی با حدود دویست هزار واژه، بیان می کنند، اظهار نمود!

- کاملا!

ورزشی، جهانگردی و دیگر فعالیت های آنان، در روابط بین المللی نیوده است. از اینرو، با پرداختن به نوع سوم زبانهای پرداخته، با نیمه طبیعی و نیمه اختراعی، توانسته اند، انقلابی بزرگ را، در تفاهم انسانی، پدید آورند.

زبانهای پرداختنی، به پالایش بازسازی دقیق منطقی هر چهار مسئله مهم زبانهای طبیعی - دشواری آهنگ، فراوانی غیر ضروری واژه ها، تورم دستوری قاعده ها، و بی قاعدگی ها - پرداخته اند. البته در مورد زبان، هنوز زمینه های زیبایی شناسانهی مهم دیگری وجود ارد که مسئلهی «توسعه و پالایش زبان» باشد، باره ای از زبانها، بگوش، «خوشواژه» از دیگر آنگند.

از اینرو، موفق ترین زبان پردازان، از مسئله موسیقی و خوش آهنگی زبان پرداختنی نیز، غافل نمانده اند!

۱۷ - وولاپوک - نخستین زبان پرداختنی جهانی

زبان سازی و زبان پردازای، هر چند از سابقه ای طولانی تر برخوردار است، و حتی «دکارت» (۱۵۹۶-۱۶۵۰) در سدهی هفدهم، بیوج مجددی از آن، بخاطر تدوین زبانی ویژهی فلسفه، دست آزیده است، با این وصف، پرداخت اصل آنرا، باید از انقلابات بزرگ سدهی نوزدهم، بشمار آورد.

تاج افتخار نخستین گام انقلاب عمومی در زبانهای کمکی جهانی، بی تردید نخست از آن روحانی آلمانی «شلیر» Schleyer می گردد که در سال ۱۸۷۹، زبان جهانی خود را بنام «وولاپوک»

Volapük منتشر ساخت (زبان جهان = زبان = PÜK

کسر اضافه = a جهان = VOL) زبان «وولاپوک» بیشتر با تسطیح و پالایش واژه های انگلیسی تدوین شده است، و از قواعد بسیار ساده ای برخوردار است. وولاپوک، در دهه ی نیم سده ی نوزدهم (۱۸۶۰-۱۸۸۰)، از استقبال فراوانی برخوردار گردید (۲۲). لیکن بزودی، همه چیز آن سموسیقی زبان، سادگی، سهولت

— چگونه ؟

— بیاری آوندها (پیش آوندها، میانوندها، و پس آوندها) اسپرانتو از بالغ بر صد «آوندثابت» برخوردار است. بیاری این صد آونده و پنج هزار ریشه، هر اسپرانتیستنی قادر است تا پانصد هزار واژه بسازد، و مقاصد خود را در گسترده ترین افقی از واژه‌های ممکن، بویانسلط کافی، ابراز دارد. در صورتیکه در زبان‌های مادری طبیعی، کمتر کسی، حتی بزرگ‌دم این مقدار نیز تسلط ندارد که آنها را به آسانی و دلخواه، بکار برد.

شاید بزرگ ناآشنای زبان عربی، کافی نباشد که پس از ده سال تحصیل زبان عربی، در خارج از محیط عربی زبانان، بتواند «قرآن» را بدون اشکال، بخواند و به فهمد. لیکن مسلماً پس از دو ماه — شصت روز هر روز تنها یک ساعت تحصیل زبان اسپرانتو — هر کس، از هر زبان نمی‌تواند ترجمه‌ی قرآن را بزبان اسپرانتو بخواند، و بی‌خوبی آنرا دریابد!

اگر قرآن مجزه است، آیا فهم آن بیاری زبانی در ظرف مدتی بالغ بر شصت ساعت، خود معجزه‌ای دیگر، انقلابی سترک، موجب، و فوق‌تبی بس شگرف، در تقاعلم انسانی و جهات فستنی قرآن، شش سال پیش، به اسپرانتو، یا پشتیبانی یونسکو، ترجمه شده است، و این معجزه را، پس از قول خود، برای دومین بار در تاریخ، تأیید کرده است (۲۳). و اسپرانتو، ظلم لعنت بابل را شکسته است.

۱۹ - سهولت اسپرانتو

دوباره‌ی سهولت اسپرانتو، سخن‌هایی گفته‌اند که به افسانه شبیه‌تر است، تا به واقعیت و انسانه آسان اینست که، آن همه، خود عین واقعیت است!

«تولستوی» (۱۹۱۰-۱۸۲۸)، خداوند «صلح و چنگ» و آفریننده‌ی «آناکاره‌نینا»، فیلسوف و نویسنده‌ی جاودان روسی، در سال ۱۸۹۴، هشت سال پس از انتشار زبان اسپرانتو، درباره‌ی آن می‌نویسد که:

«زبان اسپرانتو به اندازه‌ی آسان است که در شش سال قبل که کتاب دستور آنرا، بدست آوردم، تقریباً در مدت دو ساعت، موفق به خواندن و نوشتن آن شدم. در هر صورت، مدتی که از وقت انسان، برای تحصیل زبان اسپرانتو، صرف می‌شود، به قدری جزئی، و مفاییدی که از یاد گرفتن آن بدست می‌آید، به اندازه‌ی زیاد است که انسان نمی‌تواند، برای تحصیل آن، جدیت ننماید» (۲۴).

درایران، «احمدکروی» که شیفته‌ی سادگی، و سهولت زبان اسپرانتو شده بوده است، نظر خود را، درباره‌ی آن، نخستین بار در سال ۱۳۰۸ چنین ابراز می‌دارد:

«من اختراع اسپرانتو را شنیده، مدت‌ها آرزوی آموختن آنرا داشتم. روزی چند کتاب کوچک اسپرانتو با خود آموزی بزبان انگلیسی، بدست آورده، ظهر، چون بخانه برگشتم، بخواندن خودآموز پرداختم،

و آن‌روز، شب نشده بود که من آن زبان را، آموختم، «اسپرانتیست» شدم.

برای اینکه در شگفت نمانید، و آنچه گفتیم، به آسانی بساور نماند، باید بدانید:

۱- الفبای اسپرانتو که از الفبای لاتین گرفته شده به حدی ساده و آسان است که من ده دقیقه بیشتر، برای آموختن، و یاد سپردن آن صرف نکردم.

۲- گرامر اسپرانتو از آغاز تا انجام شانزده قاعده بیشتر نیست، و به اندازه‌ی ساده و طبیعی است که من بادوسه‌بسر خواندن و آندیشیدن، همه را فهمیده و یاد گرفتم.

۳- در بزرگترین فرهنگ اسپرانتو، بیش از چهار یا پنج هزار، کلمه نیست، و من به جهت دانستن زبان انگلیسی و آندکی از زبان فرانسه، یک و نیم بیشتر این کلمه‌ها را، از پیش، می‌دانستم.

از فردای همان روز من بخواندن کتابهای آسان اسپرانتو پرداخته، یکماه سپری نشد که در خواندن و نوشتن، اسپرانتیست کاملی شدم. و برای آزمایش قوه‌ی خود، مقداری از مثل‌های... آذربایگان را، به آن زبان، ترجمه نمودم... (۲۵)

معمولاً بین پنجاه تا صد ساعت تمرین لازم است تا کسی بتواند، از عهده‌ی «آزمایش و آندکی» برآید. همین مقدار وقت برای کسب مهارت روی «ماشین‌نویسی» ضروری است. در حالیکه مردمان، سال‌ها، در سراسر جهان، وقت صرف فرا گرفتن زبانهای بیگانه می‌کنند، راستی آیه بگفته «تولستوی»:

صرف چنین وقت اندکی حدود وقتی که برای فرا گرفتن و آندکی، ماشین‌نویسی، یا شطرنج، لازم است. برای یاد گرفتن یک زبان جهانی، نمی‌ارزود زبانی که لعنت‌آبدی ظلم بابل را، برای همیشه از فکر و ذکر انسانهای می‌زداید!

۲۰ - اسپرانتو در کاشک زمان

اسپرانتو پس از انتشار خود، در ۱۸۸۷، به سرعت گسترش یافت. لیکن جنگ جهانی اول، و سپس رشد فاسیونالیسم‌های افراطی فاشیسم و نازیسم در اروپا، و استالیینسم، در روسیه، و استعمار فرانسه، انگلیسی، هلند، بلژیک، و پرتغال، در آسیا و آفریقا و تکیه‌ی هر یک بر گسترش فرهنگ استعماری خویش، سدهای بزرگی را بر راه اسپرانتو قرار داد.

خوشبختانه، شیط استعمار کهن، یکی پس از دیگری در مستعمرات از پس از جنگ جهانی دوم، و افول نازیسم و فاشیسم، در آلمان و ایتالیا، و نیز از پس از مرگ استالین، از ۱۹۵۳ بدیستوی، اسپرانتو دوباره تجدید حیات کرده است، و حتی در روسیه و چین، افزون بر کشورهای غربی، و ژاپون، به سرعت، دوبه گسترش نهاده است.

در سال ۱۹۵۴، «یونسکو» سازمان فرهنگی، تربیتی و علمی ملل متحد — آنرا رسماً پذیرفت، و آموزش آنرا توصیه کرد، و در ۱۹۵۹، صدمین سالروز تولد «ژانمرف» خالق اسپرانتو را، در سطح جهانی جشن گرفت.

مجله اسپرانتو، همواره با عنوان همکاری «یونسکو» بطور ماهانه منتشر می‌شود (۲۶). مرکز جهانی اسپرانتو اینک در هلند در «روتتردام» است. دهها فرستنده‌ی رادیویی، از اروپای شرقی، و غربی گرفته تا آمریکای جنوبی، هم‌اکنون همه‌روزه، یا همه‌هفته، به اسپرانتو، برنامه پخش می‌کنند. بیشتر آثار کلاسیک جهان، از جمله کتابهای مقدس، همه به اسپرانتو، ترجمه شده‌اند. اسپرانتو، در بیشتر از کشورهای جهان، عضو و باشگاه دارد (۲۷).

در ایران ، نخستین بار حدود پنجاه سال پیش ، اسپرانتو در میان گروهی معرفی شده است ، و زبان آموز نسبتاً جامعی در ۱۳۰۷ و دیگر باره در ۱۳۰۸ ، توسط شادروان « بهمن شیدانی » انتشار یافته است (۳۸) .

اینک زبان آموزهای مختلف اسپرانتو ، به بیشتر آرزوئیهای دنیا ، از جمله به عربی ، غالباً نیز همراه با صفحه باکاستن - هاند دوری آسی میل - در دست است . انجمن جهانی اسپرانتو ، در « رتردام » هلند ، سالیانه ، سالنامه‌ای شامل تمام کتابهای اسپرانتو ، و نیز شامل نام و نشانی نمایندگان اسپرانتو در جهان منتشر می‌سازد که اطلاعات لازم را می‌توان - افزون بر مجله ماهانه‌ی اسپرانتو - از آن بدست آورد (۳۹) .

۲۱ - اسپرانتو ، و جهان سوم

اسپرانتو ، یادزهر استعمار است که در بطن جهان استعمار ، و در اوج دوره‌ی سلطه‌ی استعماری غرب ، در سده‌ی نوزدهم ، پدید آمده است .

در تمام شوراهای جهانی ، تاکنون ، عموماً غریبان ، آرزوئیها که عموماً یکی از زبانهای اروپائی ، مانند فرانسه ، و به ویژه انگلیسی ، سخن می‌گفته‌اند از نظر ، « سلطه‌ی یوانی بر جلد » معمولاً متکلم وحده ، بوده‌اند . غالباً شرقیان ، در اینگونه جلسات ، یا سکوت مطلق اختیار می‌ورزند ، و یا ، پس از مکتب‌هاوسکوت‌های طولانی ، و پس از غرخرخواهی از ناتوانی‌ها در تکلم فصیح بزبانهای فرانسه و انگلیسی ، با شرم زدگی ، ارزش صفا ، و درختن مرق و احساس حقارت ، دست و پا شکسته ، مطالبی می‌گویند که بیشتر بهمین دلائل سستی و نااستواری زبان ، و فقدان اعتماد بنفس گوینده‌ی آن ، ناشی می‌مانند . اینان هرگز از توانائی روحی ، و اعتماد به نفس ناشی از تسلط بر زبان بگونه‌ای برخوردار نیستند که بهنگام ، اعتراض کنند ، به موقع پیشنهاد دهند ، و یا به تکمیل و تصحیح نظرهای نادرستی که در لافهای بی‌نیرو و بی‌غریبان متکلم بزبانهای مادری خویش ، آبرو می‌شوند ، بپردازند ؛ هندوستان را ، نه فارسی سیمده ساله ، و نه انگلیسی سیمده و پنجاه ساله ، هرگز از نظر زبانی متحد نساخت . صدها زبان هندی نیز هیچیک قادر نیستند ، روزی ، قابل فهم همه‌ی هندیان گردند .

اماکن چنین وحده‌ی ، و یا آرزوئیها و غرخرخواهیها ، در اجلاسهای جهانی را ، « ملل جهان سوم » در برابر زبانهای غربی ، تنها بجزری زبان اسپرانتو می‌توانند ، بدست آورند - زبانی که پس از چندماه تعزین بدان ، می‌توان با تسلط اعتماد بها بلاغت سخن گفت ، و دیگر ، گوینده‌ی درجه‌ی دوم و سوم بیک زبان غربی ، در برابر غریبان ، نبود !

آنچه که تاکنون موجبات ضعف اسپرانتو را فراهم آورده بوده است - عدم تعلق به قدرتی استعماری ، با همبستگی یا مسلکی بر تعصب و مدعی جهانگیری - از این پس ، قدرت اسپرانتو خواهد بود . اسپرانتو ، به معنی تعلق ندارد ، همانند همه‌ی اختراعات بزرگ ، مانند برق « ادیسون » به همه‌ی بشریت ، متعلق است . مسلکی ویژه و منحصب را تبلیغ نمی‌کند ، اما همان آغاز بادی بر تعصبها ، درگیر شود . زبان مادری کسی نیست ، تا او به شیوه‌ی تلفظ خود ، بعنوان « تلفظ استندارد » ، تکبوردزد ، و تلفظ دیگران را ، زشت ، شکسته ، منجذ ، و یادست - دوم ، تلقی و تحقیر کند . همه یکسان ، می‌توانند معنی اصالت اسپرانتو دانی ، و اسپرانتوگونی خود گردند !

۲۲ - اسپرانتو و زبانهای طبیعی

اسپرانتو ، در صورت گسترش ، با احتمال قوی ، همواره در مرحله‌ی دوم پس از زبان مادری ، برای هر کس ، باقی خواهد

ماند . نه « زانتهوف » و نه دیگر اسپرانیستهای بزرگ ، هیچکس حتی بخاطر خود نیز راه نداده‌اند که اسپرانتو ، جایگزین زبان مادری فرد یا ملتی گردد .

لیکن از همان آغاز آنرا بعنوان زبان دوم مکملی زبانی برای برقراری رابطه با دیگران ، باصرف کمترین مدت ، و کمترین سرمایه ، و حداکثر بهره برداری پیشنهاد کرده‌اند . زبانی که اگر هم اکنون آموزش آن در همه جا آغاز شود ، می‌تواند تا دو سال دیگر ، اکثریت افراد بشر را قادر سازد که بطور مستقیم با یکدیگر گفتگو و مکاتبه نمایند ، و طمس لغتی تفرقه افکن و پاپس از بنای برج بابل ، برای همیشه ، از میان بردارند !

چگونه ، و در انتظار چه تصادفی می‌توان نشست ، تا نویسندگانی به زبان پشتو ، یا گجراتی ، یا مالایائی ، و بیا به هر یک دیگر از دوسه هزار زبان محدود و کوچک زنده‌ی موجود ، اثری جهانی عرضه کند ، برنده‌ی جایزه نوبل گردد ، و ما بر آن آگاهی باییم ، و از دروتمایه‌ی آن ، برخوردار شویم ؟

اسپرانتو ، با هر زبان دیگری در حدود میانه‌ی آن ، یعنی تنها یک زبان ساده‌ی منطقی جهانی ، ممکن است ما را بزبانی ادبیات نهفته در هزارها زبان بومی محدود ، و پراکنده در جهان ، رهنمون شود . اسپرانتو ، می‌تواند پشتوانه ، معیار ، شاخص ، و از هویت فرهنگ جهانی گردد ، و مانند پولهای بین‌المللی ، امکان تغییر و انتقال درونمایه‌های ارزنده فرهنگی ملل بزرگ و کوچک را ، به نامرو آگاهی و دریافت بکدیگر ، به آسانی میسر سازد . بدین ترتیب ، اسپرانتو ، نه تنها قویب زبانه‌ی ملی و طبیعی نیست ، بلکه برترین موبد ، تقویب کننده ، و شناساننده معرفت جهانی آموزش‌های فرهنگی آنهاست . اسپرانتو ، ریاضیات زبانه‌ی است ، همانگونه که ریاضیات مددکار دانش‌هاست !

منابع و یادداشت‌ها

32 - (a) Kirchhoff , A. : Volapuk , Halle 1887

(b) Sprachen , Das Fischer Lexikon , Hamburg , 1970 , S. 356 - 58

33 - La Nobla Korano, el la araba tradukis Itala Chiussi, Serio, Oriento - Oksidento N-ro 10, Universala Esperanto, Asocio, 2-a eldono , Kopenhagen 1970

ترجمه‌ی قرآن به اسپرانتو ، در مقایسه با ترجمه‌های دیگر قرآن ، بزبانهای آلمانی ، فرانسه ، انگلیسی ، و ایتالیائی ، یکی از دستاویزین ، و نزدیکترین ترجمه‌ها به اصل متن است . این ترجمه ، سطر به سطر ، در یک ستون عربی ، و در ستون دیگر با ترجمه‌ی آن به اسپرانتو همراه است .

۳۴ - بهمن شیدانی : لسان عمومی اسپرانتو ، چاپ ۲، تهران ۱۳۰۸ ، ص ۱ مقدمه

۳۵ - بهمن شیدانی ، همان منبع ش ۳۴ ، ص ۱۱ - ۱۰

36 - Esperanto, Oficiala organo de Universala Esperanto - Asocio, en Konsultaj rilatoj Kun Unesko, Nieuwe Binnenweg, 176, Rotterdam, Nederlando

37 - (a) Libroservo de UEA (=Universala Esperanto - Asocio), Rotterdam, 1974

(b) Jarlibro , UEA, 1974

۳۸ - رجوع کنید به ش ۳۴ از همین منبع

۳۹ - رجوع کنید به ش ۳۷ از همین منبع